

هانا آرنٹ

بحران‌های جمهوری

ترجمهٔ علی معظمی



فرهنگ جاوید

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار مترجم
	دروغ‌گویی در سیاست
۱۵	تأملاتی درباره‌ی اوراق پنتاگون
۶۹	نافرمانی مدنی
۱۲۵	درباره‌ی خشونت
۲۰۷	پیوست‌ها
	اندیشه‌هایی درباره‌ی سیاست و انقلاب
۲۲۷	یک شرح
۲۶۳	گاه‌شمار
۲۷۵	نمایه

یک

اوراق پنتاگون^۱ داستان‌ها و درس‌های متفاوتی برای مخاطبان متفاوت دارد؛ اوراق پنتاگون، نامی است که روزنامه نیویورک تایمز از زمان انتشار اسناد فوق‌محرمانه پنتاگون در ژوئن ۱۹۷۱، بر مجموعهٔ چهل‌وهفت‌جلدی 'تاریخ روند تصمیم‌گیری ایالات متحده در سیاست ویتنام' نهاد (تدوین این مجموعه زیر نظر وزیر دفاع رابرت مک‌نامارا در ژوئن ۱۹۶۷ آغاز، و یک سال بعد کامل شد)؛ این اسناد با جزئیات فراوان نقش امریکا را در هندوچین از جنگ جهانی دوم تا ماه می ۱۹۶۸ ثبت کرده‌اند. برخی مدعی‌اند که اکنون و [پس از انتشار اسناد] فهمیده‌اند که جنگ ویتنام نتیجهٔ "منطقی" جنگ سرد یا ایدئولوژی ضد کمونیستی بود، برخی دیگر مدعی‌اند که انتشار این اسناد فرصتی منحصر به فرد برای آموختن دربارهٔ روند تصمیم‌گیری در دولت است، اما تا امروز بیش تر خوانندگان باید به این اجماع رسیده باشند که مسئلهٔ اساسی‌ای که این مجموعهٔ اسناد پیش می‌کشند مسئلهٔ فریب است. در هر صورت، کاملاً پیداست که در ذهن کسانی که اوراق پنتاگون را برای انتشار در نیویورک تایمز تنظیم

دولتی^۱ خوانده می‌شود— و فریب، یعنی دروغ‌عامدانه، و دروغ صریح همچون ابزاری مشروع برای رسیدن به اهداف سیاسی با ما بوده است. حقیقت‌گویی هیچ‌گاه در زمره هنرهای سیاسی به‌شمار نیامده، و در بده‌بستان سیاسی دروغ همواره وسیله‌ای قابل توجیه شمرده شده است. هرکس در این موضوعات تأمل کند شگفت‌زده می‌شود که در سنت فلسفی و اندیشه سیاسی ما چه توجه ناچیزی به اهمیت این موضوعات شده است؛ این بی‌توجهی از یک‌سویه دلیل ماهیت کنش است، و از سوی دیگر به دلیل ماهیت توانایی فکر و بیان ما برای انکار هر آنچه اتفاق افتاده است. این توانایی فعال و مهاجم برای انکار، آشکارا با قابلیت ما برای این‌که دستخوش خطا، توهم، آشفتگی حافظه و یا هر آن چیزی شویم که می‌توانیم به‌خاطرش نقصان حواس و دستگاه ذهنی خویش را مقصر بدانیم، متفاوت است.

یکی از ویژگی‌های کنش انسانی این است که همواره چیزی نورا آغاز می‌کند، و این به معنای آن نیست که کنش همیشه امکان می‌یابد که از “سرمشأ”^۲ و برای آفرینش “از هیچ”^۳ آغاز کند. برای آن‌که جایی برای کنش فردی باز شود، چیزی که از پیش وجود داشته است باید حذف یا نابود گردد، و شکل اشیاء نیز از آنچه قبلاً بوده‌اند باید تغییر یابد. چنین تغییری ممکن نیست مگر ما بتوانیم خود را به‌لحاظ ذهنی از جایی که به‌لحاظ فیزیکی در آن قرار گرفته‌ایم جدا کرده و تصور کنیم که اشیاء می‌توانند به‌گونه‌ای متفاوت از آنچه واقعاً هستند، باشند. به عبارت دیگر، انکار عامدانه حقیقت واقع—توانایی دروغ‌گفتن— و توانایی تغییر واقعیت‌ها—توانایی کنش— به هم پیوسته‌اند؛ هر دو موجودیتشان را از یک منبع می‌گیرند: قوه تصور. این‌که ما می‌توانیم وقتی که باران می‌بارد بگوییم “هوا آفتابی است” به هیچ‌وجه امری بدیهی نیست (برخی ضایعات مغزی ممکن است این توانایی را از بین ببرند)؛ این امر در عوض نشان می‌دهد که ما درحالی‌که به‌لحاظ حسی و ذهنی برای جهان به‌خوبی مجهز شده‌ایم، اما همچون جزئی

کرده‌اند مقوله فریب مهم‌ترین مسئله بوده است، و دست‌کم متحمل است که برای گروه نویسندگانی که مجموعه مطالعات چهل‌وهفت‌جلدی اصلی را آماده کرده‌اند نیز مسئله اصلی فریب بوده باشد.^۱ شکاف مشهور به اعتمادپذیری که شش سال آزرگار است با ماست^۲ ناگهان چون مگاکای دهان گشوده. گردابی از همه انواع اظهارات دروغین، هم فریب و هم خودفریبی، هر خواننده‌ای را که در پی کاوش این مدارک باشد در خود می‌کشد؛ مدارکی که خواننده، غمگنانه، باید آن‌ها را زیرساخت حدود یک دهه خط مشی سیاست خارجی و داخلی ایالات متحده بداند.

چون التزام به بی‌صدافتی سیاسی در بالاترین سطح دولت بسیار دامن‌دار شد، و چون اجازه داده شد دامنه دروغ‌گویی به همه شئون خدمات دولتی، اعم از نظامی و مدنی، گسترش یابد—اعلام ارقام ساختگی برای شمار تلفات مأموریت‌های “تجسس و تخریب”، گزارش‌های دستکاری شده در مورد میزان تخریب عملیات نیروی هوایی^۳، دادن گزارش “پیشروی” به واشینگتن از سوی زیردستانی که می‌دانستند عملکردشان براساس گزارش‌های خودشان ارزیابی خواهد شد^۴— به آسانی وسوسه می‌شویم زمینه تاریخی‌ای که این آخرین پرده باید بریستر آن دیده و داوری شود فراموش کنیم، تاریخی که خود نیز یک‌سره منزه نبوده است.

از آغاز تاریخ مضبوط، پنهان‌کاری^۵—که از سرکیاست “رازداری”^۶ و “اسرار

۱. به‌گفته لزللی ه. گلب (Leslie H. Gelb) که مسئول گروه بود: «مهم‌ترین مسئله، البته، مسئله اعتبار دولت است.» نک به:

“Today’s Lessons from the Pentagon Papers,” in *Life*, September 17, 1971.

۲. نوشته حاضر مربوط به سال ۱۹۷۱ است؛ یعنی شش سال پس از ورود نخستین واحد نیروهای نظامی آمریکا به ویتنام جنوبی. (مترجم)

3. Ralph Stavins, Richard J. Barnet, and Marcus G. Raskin, *Washington Plans an Aggressive War*, New York, 1971, pp. 187-187.

4. Daniel Ellsberg, “The Quagmire Myth and the Stalemate Machine,” in *Public Policy*, Spring 1971, pp. 262-263.

همچنین رجوع کنید به:

Leslie, H. Gelb, “Vietnam: The System Worked,” in *Foreign Policy*, Summer 1971, p. 153

5. secrecy

6. discretion

1. *arcana imperii*

2. *ab ovo*

3. *ex nihilo*

4. *imagine*